

توضیحات:

- دبیری فرهنگ و هنر
- ویژه آزمون آموزش و پرورش
- خلاصه شده در ۱۸ صفحه
- حیطه تخصصی

جزوه خلاصه کتاب راهنمای

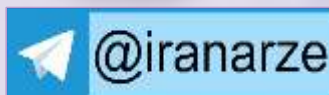
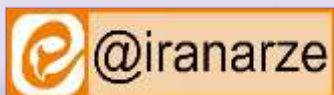
تدریس فرهنگ و هنر پایه هفتم

دوره متوسطه (کد ۸۱)

برای دانلود رایگان جدیدترین سوالات استخدامی دبیری فرهنگ و هنر، اینجا بزنید

برای دانلود رایگان مرجع این جزوه، کتاب راهنمای تدریس فرهنگ و هنر پایه هفتم متوسطه اینجا بزنید

«انتشار یا استفاده غیر تجاری از این فایل، بدون حذف لوگوی ایران عرضه مجاز می باشد»



جزوه خلاصه راهنمای تدریس فرهنگ و هنر پایه هفتم متوسطه

بخش اول: کلیات برنامه درسی

فصل اول: جایگاه و نقش فرهنگ و هنر

فرهنگ چیست؟

واژه فرهنگ در «قابوس نامه» (از متون قرن پنجم) مترادف با هنر و به معنای آموختن و به کار بستن آمده است: «و تن خویش را بعث کن به فرهنگ و هنر آموختن، چیزی که ندانی بیاموزی و این تو را به دو چیز حاصل شود: یا به کار بستن آن چیز که دانی یا به آموختن آن چیز که ندانی. . .» فردوسی نیز فرهنگ را به معنی دانش و هنر می داند.

ز دانا بپرسید پ دادگر که فرهنگ بهتر بود یا گهر؟

چنین داد پاسخ بدو رهنمون که فرهنگ باشد ز گوهر فزون

که فرهنگ، آرایش جان بود ز گوهر سخن گفتن، آسان بود

گهر بی هنر، زار و خوار است و سست به فرهنگ، باشد روان تندرست

در کتب لغت معانی متعددی برای فرهنگ ذکر شده است، برای مثال در «برهان قاطع» آمده است: «بروزن و معنی فرهنگ است: علم و دانش و عقل، ادب و بزرگی و سنجیدگی و. . .».

فرهنگ در علوم مختلف تعبیرهای متفاوتی دارد و در اینجا مجموعه ای پیچیده از معارف، اعتقادات، هنرها، صنایع، فنون، اخلاق، قوانین، سنن و بالاخره تمامی عادات و رفتار و ضوابطی است که فرد به عنوان عضوی از جامعه خود فرا می گیرد و در برابر آن جامعه وظایف و تعهداتی بر عهده دارد، یعنی، مجموعه ای که نتیجه فعالیتها و ابداعات شخص او نیست بلکه به عنوان میراث گذشتگان از راه فراگیری مستقیم و غیر مستقیم به وی منتقل می شود.

هنر چیست؟

لفظ هنر در زبان سانسکریت از دو کلمه سو به معنای نیک و هر چیز خوب و نیک که فضایل و کمالاتی بر آن مترتب است و ثر یا نره به معنای زن و مرد تشکیل شده است. این واژه وارد زبان فارسی شده و در اوستا به شکل هونر آمده که از صفات اهورا مزدا به معنای خوب و نیک است. در فارسی میانه یا پهلوی و پس از آن در دوره اسلامی، به صورت هنر و به معنای انسان کامل و فرزانه و هم به معنای کمال و فضیلت آمده است. در «لغت نامه دهخدا» هنر به معنای علم، معرفت، دانش، فضل، فضیلت، کمال، کیاست، فراست و زیرکی است (شریف زاده، ۱۳۷۸).

در دایره المعارف هنر به فعالیتهایی چون نقاشی، طراحی، گرافیک، پیکره سازی، معماری، موسیقی، شعر، تئاتر و سینما هنر می گویند.

بنابراین، هنر دو بعد دارد: یک بعد آن بر فرزانی، فرهیختگی و کمال دلالت دارد و بعد دیگر آن توانایی بیان احساسات، عواطف، تخیلات و تفکرات در قالب یکی از رشته های هنری است.

آمیزه ای از این دو بعد، هنرمندی است که زیبایی های جهان را شناخته و جهان را در کمال زیبایی می بیند. هنرمند پیوسته در کار آفرینش زیبایی ها و نمایاندن زیبایی ها به مردم است. او خداوند سبحان را جمال مطلق و خالق همه زیبایی ها می شناسد و جهان را جلوه ای از جمال خالق یکتا می داند.

فرهنگ و هنر به عنوان یک حوزه یادگیری:

از آنجا که هدف غایی نظام تعلیم و تربیت برگرفته از دیدگاه اسلام مورد فلسفه حیات همانا شکوفایی، تقویت و توسعه فطرت الهی جهت دستیابی به مقام خلیفه الهی و قرب الهی است، درس فرهنگ و هنر با ایجاد فضایی آزاد، به تقویت حواس، استعدادها، خلاقیت و ظرفیت های نهفته هوش دانش آموزان کمک می کند تا بدین وسیله فطرت پاک ایشان به خوبی نمایان شود و خصلت های نیک و فضایل آنها پرورش یابد.

دانش آموزان با انجام دادن فعالیت های هنری، خود، جهان و خالق جهان را بهتر می شناسند، حس زیباشناسی و فرصت های تصمیم گیری خود را توسعه می دهند، حواس، تخیل، هوش و منش های تفکر آنها نیز تقویت شده و استعداد های درونی و خلاقیت شان شکوفا می شود.

در حوزه فرهنگ و هنر از هر یک از انواع هوش را در ارتباط با هوش های دیگر می توان برای تولید و فهم آثار هنری استفاده کرد. در فرایند تولید آثار هنری، احساس، عواطف، تخیل و اندیشه توأم میشوند و نتیجه این همراهی، محصول هنری است که فرد تولید می کند.

برداشت های حسی و زیباشناختی فرد در ارتباط با خلقت و محیط اطراف او شکل می گیرند، یعنی در اینجا فرد از هوش طبیعت گرا بهره می برد. در نقاشی و کاردستی که با اندازه ها و تناسب در فضاهای دو بعدی و سه بعدی سروکار دارند.

زیبایی در هر یک از پدیده های طبیعت به گونه ای است. انسان چون خلیفه خداست و صفات خداوند در وجود او به ودیعت نهاده شده، می تواند در حیطه درک و فهم توانایی های خویش، آفریننده و خلاق باشد و جمال بیافریند. گرایش فطری انسان به زیبایی ها نه تنها می تواند به خلاقیت هنری کمک کند بلکه باعث پاکی، آرامش و تلطیف روح انسان می شود. علاوه بر این، انگیزه ای برای زیباتر کردن محیط و آراستن آن به نیکی هاست.

از آنجا که دانش آموزان به فطرت الهی خود نزدیک ترند، این صفات را بهتر بروز می دهند و آثار زیباتر و جذاب تری می آفرینند. آنها با مشاهده محیط اطراف خود، شنیدن قصه ها و . . . در خیال خود دنیایی را می سازند. فعالیت های هنری برای نشان دادن این دنیای خیالی فرصت مناسبی است.

فعالیت های هنری علاوه بر آنکه اساس توسعه فردی و رشد متعادل شخصیت هستند، دانش آموزان را در برقراری ارتباط و کنترل عواطف خود توانا می سازند. فعالیت های هنری قلب و ذهن را پرورش می دهند، قدرت یادگیری و حافظه را تقویت می کنند و دانش آموزان را قادر می سازند که در فرصت های مختلف یادگیری، شناخت و تجربه های مفید را در کنار هم قرار دهند، آنها را سازماندهی کنند و به فهم و درک کامل تری نائل آیند. فعالیت های هنری زمینه مناسبی برای تجربه موفق در فرایند کار هستند. از این رو، فرد با آگاهی از توانایی های خود به اعتماد به نفس بیشتری دست می یابد و این نیز می تواند زمینه تلاش بیشتر و موفقیت در امور دیگر را فراهم آورد. میراث فرهنگی، که گنجینه ای از دانشها، مهارتها، فنون، عواطف، زیباییها و هنرهاست، می تواند الهام بخش اندیشه و کار هنری ما و آیندگان مان باشد.

اسلام خواندن سه کتاب را برای دستیابی به حقیقت به مسلمانان توصیه می کند: «کتاب وحی، کتاب گذشته (تاریخ) و کتاب طبیعت» (مهدی حجت، ۱۳۸۰).

آثار به جا مانده از گذشتگان، ارزش فرهنگی و هنری بسیاری دارند. این آثار که «میراث فرهنگی» نامیده می شوند، در رشد و تعالی حیات امروز و فردای انسان مفید و موثرند و انسان ساز و عبرت آموزند.

توصیفات تاریخی مکتوب همیشه شفاف نیستند و همه آنچه را وجود داشته است نشان نمی دهند. همچون جزئیاتی درباره کیفیت زندگی انسان و محیط طبیعی (زیست بوم) نسل های گذشته که در نتیجه پژوهش های باستان شناسی به دست آمده اند. آثار تاریخی نه تنها عامل ارائه اطلاعات هستند بلکه به کمک آنها انسان می تواند با نیاکان خود ارتباط عاطفی برقرار کند، نقشی که شاید هیچ عنصر دیگری نتواند بر عهده گیرد.

میراث فرهنگی هویت و شناسنامه هر قوم و ملتی است که نشان می دهد آن قوم و ملت چگونه زیسته و در شکل گیری تمدن بشری چه نقشی داشته است. بنابراین، می توان گفت که هنر ظرفیتهای فراوانی برای رشد مهارتهای فرایندی دانش آموزان در اختیار معلم قرار می دهد. معلم با طراحی آموزشی مناسب برای ساعت درس هنر می تواند از قابلیت های مختلف این درس بهره گیرد.

فصل دوم: آشنایی با برنامه درسی هنر دوره اول متوسطه

رویکرد:

دیدگاهی کلی است که در سراسر برنامه حاکم است و مانند چتری همه عناصر برنامه را پوشش می‌دهد. جهت‌گیری کلی برنامه درسی ملی شکوفایی، تقویت و توسعه فطرت الهی (نظیر خدا پرستی، زیبایی دوستی، خلاقیت و...) است (برنامه درسی ملی: ۳۱). این رویکرد با نگاهی جامع به انسان زمینه‌ساز رشد متعادل او در چهار عرصه ارتباط با خدا، خود، خلق و خلقت است.

رویکرد برنامه درسی هنر یا همان تربیت هنری نیز در صدد شکوفایی فطرت دانش‌آموزان از طریق ایجاد محیط آزاد برای تقویت حواس، تخیل، خلاقیت، ظرفیت‌های نهفته هوش و تفکر، و افزایش حساسیت دانش‌آموزان نسبت به ویژگی‌ها و ابعاد زیباشناختی اشیا و پدیده‌های مختلف است. درس هنر از طریق تربیت هنری در صدد رشد و شکوفایی قابلیت‌ها و حساسیت‌های هنرمندانه دانش‌آموزان است و به آنها یاد می‌دهد که چگونه ببینند، بشنوند، ارتباط برقرار سازند و در جهت رشد و کمال حرکت کنند. تربیت هنری را به پنج موضوع کلی می‌توان تفکیک کرد که عبارت‌اند از:

۱- ارتباط با خلقت،

۲- زیبایی‌شناختی،

۳- تولید محصول هنری،

۴- آشنایی با تاریخ و میراث فرهنگی هنری ایران،

۵- نقد هنری.

مباحث زیبایی‌شناسی، تولید آثار هنری، آشنایی با تاریخ هنر و نقد هنری از مهم‌ترین عناوین آموزش هنر از دوره ابتدایی تا دوره متوسطه و بعد از آن هستند. زیبایی‌شناسی در چهار موضوع دیگر متجلی می‌شود که کودکان از طریق آنها به معیارهای زیبایی‌شناسی دست می‌یابند. در ادامه به این چهار موضوع پرداخته ایم.

۱- ارتباط با طبیعت:

طبیعت با همه اجزا و نشانه‌هایش برای انسان، نهایت کمال و زیبایی و منبع الهام است. هوایی که استنشاق می‌کنیم، آبی که مینوشیم، گلی که می‌بویم، پرندۀ ای که در پرواز است، خورشیدی که هر صبح و شام طلوع و غروب می‌کند و... همه و همه از نظامی تبعیت میکنند که ما هم جزئی از آن هستیم. این نظم و ارتباط موجودات و عناصر موجود در خلقت نشانه ارزشمند بودن طبیعتی است که همیشه پویاست و نیرویی را در بطن خود دارد. این نیرو که بر تمامی پدیده‌ها و روابط انسان با آنها حکومت دارد، آن نظم عالی‌ای است که انسان به عنوان جزئی از کل نظام هستی، وابسته به آن و متأثر از آن است. بین انسان و خلقت، تعاملی درونی، پویا و متوازن و ارتباطی پیوسته وجود دارد و این همان نیرویی است که در فرهنگ و هنر نیز می‌توان آن را دریافت. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «ان فی السموات و فی الارض لآیات للمومنین» (جانبه / ۳) به راستی در آسمانها و زمین برای مومنان نشانه‌هایی هست. شناخت پدیده‌های طبیعی و پرورش دقت حواس، زمینه مناسبی برای فعالیت‌های هنری ایجاد می‌کند و ایجاد حساسیت و شناخت در ذهن کودکان، زمینه‌های رشد خلاقیت را فراهم می‌آورد.

۲- زیبایی‌شناسی:

هنر مبتنی بر شناخت و خلق زیبایی است و آفرینش یک اثر زیبای هنری، جز با شناخت مفهوم جمال و زیبایی میسر نمی‌شود. با بیان واقعیت‌های زیبا و بیان زیبای واقعیتها و خلق زیبایی‌هایی که وجود خارجی ندارند، هنر از مرحله تقلید از طبیعت هم فراتر می‌رود.

ما در عالم خلقت و طبیعت محسوس با هزاران نوع زیبایی روبه‌رو هستیم؛ زیبایی گلها، درخت‌ها، کوهها، آسمانی که بالای سرماست، سپیده‌دم، طلوع آفتاب شفق و... هر یک از حواس نوعی از زیبایی را درک می‌کند. اساساً مصداق خوب در حس، درک زیبایی توسط آن حس است، خوب از منظر حس بینایی، یک منظره زیبا، از منظر حس شنوایی صدایی زیبا، از منظر حس لامسه لمس کردن بافتی زیبا، از منظر حس چشایی یک مزه مطبوع، و از منظر حس بویایی یک بوی خوش است.

اگرچه «زیبایی» در فرهنگ‌های مختلف تعریف‌های متفاوتی دارد، نکته‌ای که نمی‌توان آن را انکار کرد این است که تا وقتی میان اجزا یک شی یا پدیده نوعی نظم، انسجام، تقارن، توازن، هماهنگی و تناسب نباشد، آن شی یا پدیده زیبا به نظر نمی‌آید. انسان خود زیباترین آفریده خداوند است و خداوند عالم را در زیباترین صورت ممکن آفریده و در آن صورت‌گیری نموده است: «هو الله الخالق الباری المصور له الاسما الحسنی» (حشر / ۲۴)، او خدای خالق هستی بخش صورتگر است که بهترین نام‌ها و صفات از آن اوست. به بیان دیگر، صورت شما را خلق کرد، آن هم نه به هر صورتی، بلکه به زیباترین صورتها.

«خلق السموات و الارض بالحق و صورکم فاحسن صورکم» (تغابن / ۳)، یعنی شما را در بهترین و زیباترین صورتی که برتر از آن ممکن نیست، آفریده است.»

استاد مرتضی مطهری در کتاب «هتزاز روح» اشاره کرده است که بیشتر مردم زیبایی محسوس را درک می کنند اما زیباییهای نامحسوس و معنوی بسیاری نیز وجود دارد که به قوه خیال انسان مربوط می شود. این گونه است که همه هنرها کمال خود را از یک زیبایی آرمانی می گیرند، این زیبایی از آنچه در طبیعت یافت می شود، بالاتر است. به تعبیری، مفهوم تربیت هنری که به هنر متعهد و خلاق مربوط می شود، می تواند به فرایند رشد تیزبینی سرعت ببخشد و حساسیت فرد را نسبت به زیبایی افزایش دهد. آیه های متعددی در قرآن مجید زیبایی ها را به خدا نسبت می دهند و حتی محروم ساختن مردم از زیبایی ها را نکوهش می کنند:

«قل من حرم زینه الله اخرج لعباده...» (اعراف / ۳۲) خداوند در قرآن مجید زیباییهای محسوس و معنوی را تذکر می دهد و آنها را در برابر دیدگان سر و جان انسان به تصویر می کشد. بنابراین، آشنا کردن کودکان با زیباییهای موجود در خلقت باعث شادی آنها و آماده شدنشان برای شناخت زیباییهای معنوی و زیبای مطلق، که همانا ذات حضرت حق است، میشود. در نتیجه، کودکان میتوانند در آثار خود، زیبایی ها را براساس قوه درک و شناخت خود نمود بخشند.

۳ - خلق آثار هنری:

انسان به عنوان مظهر خلاقیت و ابداع الهی و به واسطه نیروی تفکر، تخیل و قدرت آفرینندگی، ذاتاً به نوآوری علاقه مند است. از این رو، تربیت هنری رویکردی است در جهت بروز و رشد این ودیعه الهی.

کودکان در روند تربیت هنری و طی فرایند انجام فعالیت های هنری با ابزار و مواد رشته های گوناگون هنری آشنا می شوند و شیوه های مقدماتی کاربرد آنها را می آموزند اما به کمک تخیل، احساس و تفکر خود، موضوع، ابزار، مواد و شیوه ای را انتخاب و مطابق ذوق و سلیقه خود، آثار هنری گوناگونی را تولید می کنند. این گونه است که آنان با انواع صورتهای دیداری و شنیداری و ... خیال پردازی می کنند و به ابداع و خلق آثار تازه دست می زنند. خیال پردازی یکی از ویژگی های کودکان است. آنها در عالم خیال دنیایی برای خود می سازند که هنرمندان بزرگ در آرزوی بازگشت به این دنیای خیالی اند.

۴ - آشنایی با تاریخ و میراث فرهنگی هنری ایران:

در جریان تربیت هنری، کودکان با فرهنگ و هنر ایرانی آشنا می شوند. آنها آثار هنری و تاریخی و نیز آداب و رسوم و سنت های پسندیده کشور خود را در قالب آشنایی با میراث فرهنگی و هنری ایران می شناسند.

آثار باستانی و اشیائی را که سالیان دراز از زمان تولد و شکل گیری آنها میگذرد اما، به علت وجود مادی، عینی و پایدارشان باقی مانده اند و هنوز در مقابل دیدگان ما هستند، میراث فرهنگی و هنری مادی مینامیم. این گروه از آثار و اشیا خود به دو بخش آثار منقول و غیرمنقول تقسیم میشوند.

علاوه بر آثار ملموس و مادی، میراث فرهنگی غیرملموس و معنوی هم بسیار اهمیت دارند. این آثار وجود خارجی ندارند اما مصداق های آنها درک شدنی و در دسترس است؛ مانند: زبان، باورها، اعتقادات، قصه ها و آداب و رسوم.

نقد هنری: در "فرهنگنامه از ناسره" و "شناخت خوب از بد" است و در اصطلاح ادبی، فنی است که به توصیف و تجزیه و تحلیل آثار ادبی و هنری و سنجش جنبه های کمی و کیفی و ماهوی آنها میپردازد. هدف نهایی نقد، داوری کردن یا دادن معیارهایی برای داوری است.

اصول حاکم بر سازماندهی محتوا:

در طراحی و تدوین برنامه درسی حوزه فرهنگ و هنر، دوازده اصل مورد توجه قرار گرفته است. این اصول به شرح زیرند.

۱- اولویت صلاحیت ها و یادگیری های مشترک:

این صلاحیت ها همان اهداف کلی است که در قالب پنج عنصر تفکر، ایمان، علم، عمل و اخلاق مبنای سازماندهی برنامه درسی هنر قرار گرفته است.

۲ - ارتباط چند وجهی:

علاوه بر پنج عنصر مطرح شده، چگونگی ارتباط این عناصر با عرصه های خود، خدا، خلق و خلقت، از دیگر اصول تهیه اهداف و محتوا و چگونگی سازماندهی محتواست.

۳ - تقویت هویت ملی:

با توجه به اینکه درس هنر به عنوان یک حوزه یادگیری در برنامه درسی ملی تحت عنوان «حوزه فرهنگ و هنر» مطرح شده است، تلاش می‌کند زمینه‌های باروری و ارتقای هویت ملی را، که آمیخته‌ای از فرهنگ، هنر، ارزش‌ها و باورهای ایرانی اسلامی است، فراهم آورد.

۴ - توجه به تفاوتها:

از آنجا که جامعه ما دارای تنوع قومی و فرهنگی، اجتماعی، جغرافیایی و مذهبی است و در بستر این تنوع تفاوت‌های اجتماعی و فردی مختلفی شکل می‌گیرد، لازم است برنامه درسی هنر از انعطاف پذیری لازم برخوردار باشد تا مربیان و متربیان بتوانند با توجه به این تفاوتها، برنامه‌های درسی مناسب خود را خلق و بازپروری کنند.

۵ - تنوع و تعدد منابع، روش‌ها و فرصت‌های یادگیری:

توجه به نیازها، استعدادها، ظرفیت‌ها، قابلیت‌های تفکر و سبک‌های متفاوت شناختی متربیان، لزوم ایجاد تنوع فرصت‌های یادگیری را در برنامه درسی فرهنگ و هنر می‌طلبد. با استفاده از روش‌های یاددهی یادگیری مختلف و مواد و منابع آموزشی متفاوت است که هر یک از دانش‌آموزان می‌تواند با توجه به ویژگی‌های فردی و روان‌شناختی خود به یادگیری بپردازد.

۶ - نقش محوری مربی:

مربی هنر در نقش راهبر و هدایتگر آموزشی، جایگاهی اساسی در راهنمایی و ترغیب متربیان در فرایند یاددهی یادگیری و غنی‌سازی محیط‌های یادگیری دارد.

۷ - علاقه:

فرصت‌های یادگیری و فعالیت‌های هنری به گونه‌ای طراحی شده‌اند که متربیان بتوانند به شناخت، توسعه و خلق در حوزه علائق خود نائل شوند. به عبارتی، فرایند خلق یک اثر هنری به آنها در تصمیم‌گیری برای حال و آینده کمک می‌کند.

۸ - جامعیت محتوایی:

درس هنر با تنوع رشته‌های هنری روبه‌روست. در این درس هنرهای مختلف تجسمی، سنتی، آوایی و نمایشی در کنار هم قرار گرفته‌اند. این رشته‌ها متمایز و متفاوت‌اند و مبانی خاص و کارکردهای منحصر به فردی دارند اما زیبایی و ویژگی مشترک همه آنهاست. انتخاب و سازماندهی فعالیت‌های هنری به گونه‌ای است که زمینه‌سازی برای تجربه‌های مستقیم و دست‌اول در هر رشته و بهره‌گیری از مواهب و آثار آن، با در نظر گرفتن تفاوت‌های فردی و محیطی دانش‌آموزان فراهم می‌آورد. دانش‌آموزان ضمن انجام دادن فعالیت‌های مربوط به هر رشته، با میراث فرهنگی و هنری خود نیز آشنا می‌شوند.

۹ - انعطاف پذیری:

محتوای درس فرهنگ و هنر می‌تواند با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی، اجتماعی، تنوع قومی و فرهنگی هر منطقه از ایران و هنرهای بومی مناطق مختلف متنوع باشد. از آنجا که مدارس، کلاس‌های درس، معلم‌ها و دانش‌آموزان در همه جا یکسان نیستند، طراحی فصل‌ها، درس‌ها و فعالیت‌های هنری در سه بخش تجویزی، نیمه تجویزی و غیر تجویزی شکل گرفته است. بخش تجویزی به فعالیت‌هایی اختصاص دارد که همه دانش‌آموزان در سراسر کشور باید انجام دهند. فعالیت‌های نیمه تجویزی به فعالیت‌های انتخابی دانش‌آموزان اختصاص دارد و بالاخره بخش غیر تجویزی شامل فعالیت‌های هنری است که دانش‌آموزان بنا بر استعدادها، توانایی‌ها و نیازهای خود و امکانات فرهنگی، اجتماعی و آموزشی‌ای که در اختیارشان قرار دارد، در صورت تمایل می‌توانند آنها را انجام دهند. لذا معلم با توجه به امکانات، وسایل، ابزار و مواد در دسترس، خواسته‌ها و توانایی‌های دانش‌آموزان و فضای کلاس و مدرسه و با در نظر داشتن رویکرد، اهداف و حفظ اصول برنامه می‌تواند خود طراحی آموزشی هر جلسه درس را انجام دهد.

۱۰ - کودک محوری:

معلم باید شرایطی را فراهم آورد تا دانش‌آموزان مهارت‌های حسی، حرکتی، بیانی و قدرت تخیل و تفکر خود را طی فرایند انجام فعالیت هنری و خلق آن کشف و بیان کنند. معلم با مشاهده رفتار دانش‌آموزان در کلاس و خارج از آن، از علائق، تمایلات و تجربیات آنها آگاه می‌شود و در نتیجه، می‌تواند برای هر جلسه درس هنر برنامه‌ای کامل، متناسب با دانش‌آموزان خود طراحی و اجرا کند، به طوری که دانش‌آموزان قادر به انجام دادن آن باشند و احساس آزادی و حق انتخاب خود را در آن تجربه کنند.

۱۱- پرورش خلاقیت:

خالق مطلق خداوند است که همه چیز را در زیباترین شکل خلق کرده و همه هستی تجلی وجود اوست. خداوند انسان را از همه موجودات زیباتر آفریده است، از روح خود در او دمیده، صفات خود را در او به ودیعه نهاده، کلمات را به او آموخته، امانتی را به او داده و او را جانشین خود بر روی زمین قرار داده است. پس هر انسانی ظرفیت رسیدن به کمال مطلوب را، که همان جانشینی خدا بر زمین است، دارد و به طور نسبی قادر به انجام دادن کاری خلاق است.

خلاقیت را «تولید ایده یا محصولی نو» تعریف کرده اند. عناصر خلاقیت نیز دو گونه اند، برخی از آنها ژنتیکی و برخی نیز اکتسابی یا محیطی و اجتماعی اند. کودکان در سنین مختلف انواع متفاوتی از رفتارهای خلاق را نشان می دهند اما به طور کلی، می توان گفت فضایی که کودکان در آن خلاقیت خود را بروز می دهند و میزان خلاقیتی که نشان می دهند، به آموزش، تجربه و سطح پرورش فکری و جسمی آنها بستگی دارد (۱۳۷۷). کودکان از انواع هوش برخوردارند. این هوش همراه با آموزش مناسب و کسب تجربه، مهارت‌های لازم برای خلاق بودن را در اختیار آنان قرار میدهد. «بزرگترین کمک معلم در پرورش خلاقیت دانش آموزان، کمک به آنها برای یافتن عوامل موثر بر خلاقیت و گسترش آنهاست». این عوامل عبارت اند از: تواناییهای فردی، کسب مهارت‌های انجام کار، انگیزه درونی، تفکر خلاق و فضای شاد».

تلفیق رشته های هنری:

در کلاس هنر مجموعه ای از فعالیت های رشته های مختلف هنری باید به گونه ای طراحی شوند که ضمن تکمیل یکدیگر، در کنار هم زیباتر، لذت بخش تر، موثرتر و با معناتر جلوه کنند.

یادگیری مشارکتی:

دانش آموزان از طریق مشارکت فعال در تجربه های هنری، با حوزه های مفهومی و مهارتی بسیاری مواجه و آشنا می شوند و آنها را یاد می گیرند. برای جلب مشارکت دانش آموزان باید علائق، استعدادها و نیازهای آنان را در نظر گرفت و به آنها مسئولیت داد تا در برنامه ریزی ساعت درس هنر سهیم باشند و اجرای برنامه ها و حتی طرح مقررات و اجرای نظم کلاس را بر عهده گیرند.

طراحی آموزشی درس هنر آموزش:

یاددادن برای یاد گرفتن مطلب یا موضوعی به قصد تغییر، و به بیان دیگر، مداخله ای برنامه ریزی شده در جهت بهبود موقعیت فرد و هدایت جریان رشد در تمام ابعاد است (جواد سلیمان پور، ۱۳۸۰). در آموزش لازم است ذوق و علاقه دانش آموزان در نظر گرفته شود تا میل به یاد گرفتن در آنها به وجود آید. باید دانش آموزان را درگیر تفکر کرد تا خودشان آگاهانه فرایند یادگیری را طی کنند و با کشف آنچه بدان نیاز دارند، احساس موفقیت کنند. دانش آموزان طی فرایند انجام فعالیت هنری و در تعامل با موضوع، ابزار و مواد و روشهای اجرایی آثار هنری خود را خلق می کنند. آنها طی این فرایند مطالب بسیاری کشف می کنند و به این ترتیب، به احساس موفقیت و اعتماد به نفس دست می یابند.

ویژگی روش آموزش هنر در دوره اول متوسطه:

در دهه های اخیر، در حوزه آموزش هنر رویکردهای متنوعی مطرح شده است. اغلب این رویکردها از روش های آموزش غیر مستقیم بهره گیری می کنند و در آنها تا دوره هنرستان آموزش تخصصی در رشته هنر ارائه نمی شود. بنابراین، تجربیات هنری در مقاطع قبل از هنرستان در جهت درک هنر و زیبایی و تقویت توانایی مشاهده و خلاقیت شاگردان صورت می گیرد و هدف از آنها تربیت هنرمند نیست.

در سه پایه اول دوره ابتدایی قدرت خلاقه کودکان و فعالیت های خودجوش آنها در جهت تربیت هنری هدایت میشود. در سه پایه دوم این دوره توانایی خلاقه ذهنی و علاقه به فعالیت‌های خودجوش در اغلب کودکان کاهش می یابد و گرایش به دید بزرگسالان در آنها ایجاد می شود که در پایه های بالاتر توسعه می یابد.

بنابراین، ارائه برنامه های متنوع هنری در این مقطع، که علاقه به انجام فعالیت های خلاقه را در آنها حفظ کند و باعث شکوفایی خلاقیتشان شود، ضروری است. اغلب دانش آموزان سه پایه اول متوسطه آمادگی فراگیری آموزش های تخصصی هنری را ندارند.

کیفیت یادگیری:

یافته های محققان نشان می دهد که بیشترین میزان یادگیری هنگامی صورت می گیرد که فرد هم زمان از دیدن، شنیدن و تجربه عملی بهره گیری کند. بنابراین، برنامه هنر که از طریق شنیدن مطالب و دیدن تصاویر و تجربه های عملی ارائه می شود، به یادگیری عمیق منجر خواهد شد.

طراحی آموزشی:

برنامه ریزی و سازمان دادن به فعالیتهایی است که معلم و دانش آموزان در مسیر رسیدن به اهداف یادگیری انجام میدهند (نادرقلی قورچیان و دیگران،) و در اصطلاح به آن تهیه طرح درس میگویند.

از نظر زمانبندی، طرح درس سالیانه، ماهانه و روزانه تنظیم میشود. معلم برای آنکه بتواند مدیریت یادگیری را به خوبی انجام دهد، لازم است برای خود طرح درس سالیانه، ماهانه و روزانه تنظیم کند.

مراحل طراحی آموزشی:

گام اول ایجاد انگیزه - گام دوم پرورش ایده (تعیین فعالیت) - گام سوم انجام فعالیت هنری - گام چهارم و پنجم: جمع بندی و بحث و تبادل نظر در مورد محصول و یا فعالیت هنری

ارزشیابی پیشرفت تحصیلی:

ارزشیابی، فرایندی نظام دار برای جمع آوری، تحلیل و تفسیر اطلاعات است (علی اکبر سیف، ۱۳۷۸). ارزشیابی فعالیتهای هنری، شامل قضاوت درباره کیفیت فعالیت ها و عملکرد و کوششهای هنری دانش آموزان و محصولات هنری تولید شده توسط آنها و مقایسه نتایج حاصل با هدف های از پیش تعیین شده برنامه درسی هنر است. از آنجا که از نتایج حاصل از ارزشیابی برای بهبود فرایند یاددهی یادگیری استفاده میشود، می توان از آن به عنوان جزئی جدایی ناپذیر از این فرایند نام برد.

رویکرد ارزشیابی:

با توجه به ماهیت درس هنر، برای ارزشیابی از فعالیتهای انجام شده در رشته های مختلف هنری، از رویکرد سنجش پویا به جای رویکردهای سنتی مرسوم که بیشتر جنبه ایستایی دارند استفاده شده است. در رویکردهای سنتی بیشتر بر پیامدها و نتایج تاکید می شود اما رویکرد سنجش پویا بر فرایندهای روان شناختی تاکید دارد. به عبارت دیگر، در این رویکرد هدف ارزشیابی بیشتر توانایی یادگیری است تا میزان مطالب یاد گرفته شده.

ضرورت توصیف فعالیت و آثار هنری خلق شده:

برای عمق بخشیدن به فرایند یاددهی یادگیری فعالیتهای هنری دانش آموزان، ارزشیابی به عنوان بخش جدایی ناپذیر این فرایند باید به گونه ای خاص طراحی شود و اطلاعات مورد نیاز مربی و متربی طوری فراهم آید که به شناخت مسائل و مشکلات یادگیری، و روش های رفع این مشکلات و رسیدن به اهداف تعلیم و تربیت کمک کند. برای رسیدن به این مهم لازم است نتایج حاصل از ارزشیابی مورد تجزیه و تحلیل و توصیف قرار گیرد. علاوه بر این، از آنجا که برنامه درسی هنر و مشخصاً تربیت هنری، بیشتر به کسب مهارت ها و ایجاد منش های تفکر توجه دارد، لازم است از روش ها و ابزارهای کیفی مانند پوشه کار، ابزارهای مبتنی بر مشاهده (مقیاس درجه بندی و...)، خود ارزشیابی، دیگر و ارزشیابی (همسال سنجی) و بحث و گفت و گوهای کلاسی استفاده شود.

اصول ارزشیابی فعالیتهای هنری دانش آموزان:

- ۱- ارزشیابی فعالیت های هنری دانش آموزان به طور تکوینی و در جریان فعالیتهای انجام می شود.
- ۲- ارزشیابی پیشرفت هر دانش آموز نسبت به فعالیتهایی که خود او انجام می دهد و با توجه به اصل تفاوتیهای فردی سنجیده می شود.
- ۳- در ارزشیابی لازم است به نوع ابزار و وسایل و موادی که هر دانش آموز استفاده می کند، توجه شود، زیرا نوع و کیفیت آنها در انجام فعالیت و محصول نهایی موثر است.
- ۴- در ارزشیابی، رشد توانایی های هنری و استعدادها و تمایلات فردی دانش آموزان مورد توجه قرار می گیرد.
- ۵- در ارزشیابی، به فرایند فعالیت و به محصول نهایی طوری توجه میشود تا دانش آموزان به استمرار بخشیدن به کارها و فعالیتهای هنری خود تشویق شوند.
- ۶- ارزشیابی فعالیتهای هنری فرایندی پویاست که با مشارکت معلم، دانش آموز (خود ارزشیابی) و سایر همکلاسی های او (دیگر ارزشیابی یا همسال سنجی) انجام می شود.

۷- در ارزشیابی فعالیتهای هنری، ویژگیهای هنری مثبت و برجسته کار هر دانش آموز مورد توجه و تأکید قرار می گیرد.

۸- تمامی فعالیتهای هنری دانش آموزان، جذاب و با ارزش است، بنابراین، از مطرح کردن فضاوتهایی که به یأس و ناامیدی و از بین رفتن انگیزه فعالیت هنری آنها منجر می شود، باید پرهیز کرد.

۹- ارزشیابی از فعالیتهای هنری دانش آموزان به صورت کیفی (توصیفی) انجام میشود، بنابراین نباید به فعالیتها و محصولات هنری آنها نمره داد.

روش و ابزارهای ارزشیابی:

ابزارهای ارزشیابی از فعالیتها و محصولات هنری دانش آموزان عبارتند از:

۱- پوشه کار فعالیتهای هنری

۲- دیگر ارزشیابی و ارزشیابی گروهی

۳- روش مشاهده رفتار

برگه ارزشیابی فعالیتهای هنری دانش آموزان:

برای هر یک از رشته های هنری، یک مقیاس درجه بندی تهیه شده است. مقیاس درجه بندی شیوه نظام داری است برای گزارش قضاوتهای معلم درباره فعالیتها که مورد بررسی قرار می دهد. در مقیاس درجه بندی یا برگه ارزشیابی فعالیتهای هنری، برای هر رشته هنری، تعدادی ویژگی، متناسب با اهداف درس های آن و در مقابل این ویژگیها یک مقیاس چهار درجه ای (خیلی خوب، خوب، قابل قبول، نیازمند آموزش و تلاش بیشتر) نوشته شده است. انتظارات عملکردی مندرج در ابتدای هر درس می تواند در این زمینه به شما بسیار کمک کند. خیلی خوب، یعنی کار خیلی خوب است و به هیچ نظارتی نیاز ندارد و بالاتر از حد انتظار است. خوب، کار خوب است اما گاه نیاز به نظارت دارد و در حد انتظار است. قابل قبول، یعنی کار قابل قبول است اما به نظارت فراوان یا کمک غیر مستقیم نیاز دارد. نیازمند آموزش و تلاش بیشتر، یعنی کار ضعیف است و به کمک مستقیم نیاز دارد. در هر نیمسال تحصیلی حداقل دو بار برگه ارزشیابی دانش آموزان را تکمیل کنید: یک بار در طول نیمسال تحصیلی و یک بار در پایان نیمسال تحصیلی.

تعاریف عملیاتی:

الف) گفتگو نویسی: تسلط دانش آموزان بر نوشتن گفتگو بین اشخاص و تشخیص گفت وگویی عادی با گفت وگویی نمایشی یا دیالوگ است.

ب) شخصیت پردازی: خلق شخصیتهای نمایشی بر اساس اشخاص پیرامون است.

پ) ماجرانویسی: یعنی آنکه از دل ماجراها و وقایع پیرامون، ماجراهایی به وجود بیاید که طی آن اشخاص به اهدافی دست یابند.

ت) صحنه نویسی و خوانش اثر: نوشتن بر اساس الگوی زیر است :

آغاز _____ کشمکش _____ اوج _____ اتفاق _____ پایان _____

در واقع، چنین اقدامی نمایشنامه خوانی نامیده میشود. در نمایشنامه خوانی محورهای زیر مورد توجه قرار میگیرد .

الف) درک شخصیت: دانش آموزان شخصیتهای هر اثر را بتوانند به سادگی تعریف کنند و ویژگیهای او را برش مرنند؛ اینکه شخصیت ساده است، پیچیده است، از کدام جایگاه اجتماعی برخوردار است و ...

ب) بیان مناسب: یک بازیگر باید بتواند کلمات را رسا وبدون نقص بیان کند، از لکننت دور باشد و به طور کلی جملات و گفت وگوها را بهگونهای ادا کند که در فواصل مختلف، به درستی شنیده شود.

پ) احساس مناسب: منظور از احساس مناسب یعنی آنکه بازیگر بتواند حس و حال هر شخصیت را متناسب با فضا و مکانی که در آن قرار گرفته است، انتقال دهد. برای مثال، سردی و گرمی هوا، عوامل مختلف محیطی و... روی احساس بازیگر و ادای جملات تأثیر میگذارد

ت) خوانش درست عبارات و کلمات: همانگونه که همه ما هنگام کتاب خواندن مکث و سکوتها و یا تأکیدهایی روی برخی کلمات داریم، بازیگر نیز میبایست جملات را درست بخواند و مکثها و سکوتها را رعایت کند.

بخش دوم: راهنمای تدریس محتوای برنامه درسی فرهنگ و هنر

فصل اول: طراحی

طراحی زیربنای انواع فعالیت های هنری در هنرهای تجسمی و در عین حال هنری مستقل است. انسان در ذهن خود ایده ها و مفاهیم مختلف را طراحی می کند، چنان که در لغت نامه آمده، طراحی به معنی «طرح افکنی» و «نقشه ریزی» است. مانند این شعر حافظ:

بیا تا گل برافشانیم و می در ساغر اندازیم
 فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو در اندازیم

در معنای تخصصی، طراحی بازآفریدن تصاویر عینی و نمایش تصاویر و ایده های ذهنی برای تجسم بخشیدن به آنهاست. همچنین به فرایند چند مرحله ای تبدیل یک ایده به اثر هنری یا محصول جدید که اغلب جنبه کاربردی دارد، اطلاق می شود.

از دید تاریخی هنرمندان برای اجرای طرح ها و تصاویر مختلف از دو روش استفاده کرده اند: نمایش تصاویر ذهنی موجودات و پدیده های مختلف که اغلب به صورت دو بعدی (انتزاعی) صورت می گیرد و اجرای طرح ها و تصاویر شبیه به طبیعت (واقع گرا) که با استفاده از سایه روشن کاری و پرسپکتیو انجام می شود و به صورت مجازی حجم سه بعدی را روی سطح دو بعدی نمایش می دهد.

اغلب طرح ها و تصاویر ذهنی به صورت تصویر ساده شده (انتزاعی) موضوع نمایش داده می شوند. اگرچه در آثار هنری طرح ساده شده (انتزاعی) موضوعات گوناگون به درجات مختلف از طبیعت فاصله می گیرند، شناسایی موضوع امکان پذیر است و ویژگیهای مهم و اصلی آن در طرح ساده شده حفظ می شود. در هنر ایران از دوره پیش از تاریخ تا دوره معاصر آثار انتزاعی و دو بعدی متنوعی ارائه شده و گرایش به ارائه تصاویر سه بعدی فقط در مقاطع زمانی خاصی تحت تأثیر هنر غرب صورت گرفته است. بنابراین، میراث تصویری ایران دوبعدی یا انتزاعی است و شامل آثار ارزشمند و متنوعی از دوره های مختلف می شود که بسیاری از آنها نزد جهانیان شناخته شده است.

جلب توجه شاگردان به ویژگی های هنر ایران و آشنایی با آثار ارزشمند هنر ایران یکی از اهداف مهم این برنامه است. مربی ابتدا شاگردان را با مفهوم طراحی و جنبه های مختلف آن آشنا می کند تا با هر پدیده ای که مواجه می شوند طرح و طراحی آن توجه کنند. سپس آنها را به ارائه طرح ها و ایده های ذهنی در زمینه های مختلف تشویق می کند تا در این زمینه به فعالیت عملی بپردازند. در این پایه تحصیلی بر طراحی ذهنی ایده ها و طرح ساده شده موضوعات مختلف تأکید شده است، اگرچه شاگردان در روش ارائه آزاد هستند و گرایش به روش سه بعدی در طراحی مجاز است. بنابراین هدف آموزش تخصصی طراحی نیست و اغلب شاگردان برای ارائه ایده های خود می توانند طرح ساده شده موضوعات مختلف را بکشند. به این ترتیب، بیش از آنکه چگونه کشیدن موضوع مطرح باشد، خلاقیت ایده های ارائه شده ذهنی اهمیت دارد. در هر دو روش (دوبعدی و سه بعدی) توجه به زیبایی اثر که در یک فرایند چند مرحله ای خلق می شود حائز اهمیت و مورد توجه مربی است.

روش آموزش:

در این مقطع آموزش غیر مستقیم از طریق تقویت مشاهده دقیق، آشنایی با ویژگیهای پدیده های مختلف و آثار هنری و انجام فعالیت های عملی صورت می گیرد. شکوفایی خلاقیت از طریق مشاهده دقیق و توجه به ویژگی های مختلف پدیده ها و مقایسه آنها با یکدیگر و انجام فعالیت های عملی حاصل می شود. برای ارائه مفاهیم آموزشی از تصاویر طبیعت و آثار هنری به خصوص نمونه های هنر اسلامی استفاده شده است تا شاگردان با نظم، زیبایی، هماهنگی، تعادل و خلاقیت در طراحی آشنا شوند. بنابراین، از بهترین نمونه های موجود برای تربیت بصری و تقویت قدرت تجسم آنها بهره گیری شده است. مربی با بیان ویژگی های هر یک از نمونه ها روش مشاهده دقیق و عمیق را به شاگردان می آموزد تا دریابند در برخورد با هر پدیده جدیدی به کدام نکات و جنبه های موضوع توجه کنند و چگونه برای فعالیتهای خود از آنها بهره بگیرند. مربی در فعالیتهای عملی شاگردان را به ارائه ایده های آزاد شخصی هدایت می کند و از آنها انتظار دارد که در حد توان خود و متناسب با پایه هفتم طرح های خلاق ارائه دهند. بنابراین، مفاهیم آموزشی مذکور جنبه تربیتی دارند و آنها را با قواعد زیبایی و هماهنگی آشنا می کنند و به فعالیت های عملی شاگردان جهت خاصی نمی دهند. همان گونه که در پایه های مختلف تحصیلی اشعار بزرگان ادب فارسی به شاگردان آموزش داده می شود تا ذوق ادبی آنها پرورش یابد و در نهایت از آنها انتظار می رود که در سطح توان خود انشا بنویسند.

طراحی خلاق به دو صورت: ۱- ارائه ایده های جدید و ۲- بهبود بخشی نمونه های موجود انجام می شود.

درس اول: مشاهده

در پایان این درس از دانش آموزان انتظار می رود :

از طریق کاربرد مناسب حواس، قدرت مشاهده را در خود تقویت کنند.

با مفهوم مشاهده آشنا شوند.

به زیباییهای طبیعت به عنوان بخشی از خلقت خداوند توجه کنند و از آنها لذت ببرند.

اهمیت آشنایی با طراحی را درک کنند.

توانایی طراحی ساده از اشیا را داشته باشند.

مبحث مشاهده ابتدا در کلاس درس و با وسایل آشنا، که شاگردان هر روز از آنها استفاده می کنند، آغاز می شود. مربی می تواند بخشی از زمان را به مبحث اصلی درس اول اختصاص دهد. سپس در مورد تصاویر آثار هنری این درس و ویژگیهای آنها با شاگردان گفت و گو کند و آنها را با میراث تصویری ایران و انواع طرح های ساده شده (انتزاعی) آشنا سازد.

درس اول در تغییر نگرش شاگردان به پدیده های مختلف و آشنایی آنها با مفهوم جدیدی از طراحی نقش اساسی دارد. به این ترتیب آنها در می یابند که طراحی محدود به ترسیم یا کشیدن تصویر عینی موجودات و پدیده های مختلف نیست بلکه کشیدن تصاویر مختلف فقط یکی از مراحل طراحی است. مربی در این پایه از شاگردان می خواهد که طرح ساده شده موضوع دلخواه خود را ترسیم کنند و آنها را به ارائه ایده های ذهنی و خلاق تشویق می کند.

مربی می تواند بخش اول درس را در کلاس اجرا کند تا شاگردان تفاوت دو شیوه برقراری ارتباط کلامی و تصویری را درک کنند. او توجه شاگردان را به طراحی اشیا و پدیده های اطرافشان جلب می کند و از این طریق آنها:

- مشاهده دقیق و توجه به اطراف خود را تمرین می کنند، در می یابند که هر چه پیرامون خود می بینند بر اساس طرح خاصی ساخته شده یا شکل گرفته است، می آموزند که علاوه بر اندازه، کاربرد و جنس پدیده ها یا اشیا به ویژگی طرح و زیبایی آنها توجه کنند،
- طرح های متنوع یک پدیده را می بینند و نمونه های اشیا را به خاطر می سپارند،
- طرح های مختلف را با هم مقایسه و تفاوت ها و شباهت های آنها را بررسی می کنند،
- طراحی کردن و ساختن چیزهای جدید برای آنها اهمیت و جذابیت پیدا می کند،
- برای طراحی کردن و ساختن نمونه های جدید انگیزه پیدا می کنند،
- در آینده در هر شغلی که مشغول به کار شوند با دقت و حساسیت به همه جنبه های موضوع توجه می کنند و ایده های خلاقانه ای برای بهبود کار ارائه می دهند.
- در مرحله دوم، مربی دانش آموزان را هدایت می کند تا برای انتقال اطلاعات از دو روش کشیدن طرح ساده موضوع و نوشتن (توصیف ادبی) استفاده کنند، از این طریق آنها: ه دقیق و عمیق دیدن را تجربه می کنند.
- به ویژگی های موضوعات مختلف (مانند شکل، رنگ، بافت، اندازه و...) توجه می کنند.
- جنبه های مختلف اشیا (جنبه کاربردی و سهولت استفاده، طراحی زیبا، دوام و...) را بررسی می کنند توانایی خود را در بیان موضوع و انتقال اطلاعات به دیگران می سنجند.
- توانایی خود را در کشیدن طرح ساده هر موضوع و ارائه اطلاعات تصویری از آن می آزمایشند.
- استفاده از دو روش ارائه اطلاعات را تجربه و آنها را با هم مقایسه می کنند.

این تجربه به دانش آموزان می آموزد که حساسیت بیشتری نسبت به اشیا و محیط اطراف خود داشته باشند، اشیا، موجودات و پدیده های مختلف را به دقت مشاهده کرده و به طراحی، جنبه خلاقه و زیبایی آنها توجه کنند. با این روش می توان آنها را با اهمیت طراحی و طرح های متنوع در زندگی انسان آشنا کرد.

درس دوم: طراحی خلاق

در پایان این درس از دانش آموزان انتظار می رود:

- به زیبایی محیط پیرامون خود توجه کنند.
- به تنوع گل ها در طبیعت توجه کنند. ه تفاوت ها و شباهت های گل ها را بیان کنند.
- از گل های مختلف طراحی کنند.
- شباهت ها و تفاوت های گل ها را در طراحی خود نشان دهند.

در درس اول طراحی، شاگردان مشاهده دقیق را با تأکید بر اشیایی که در محیط پیرامون ما وجود دارند تجربه کردند. در این درس، حوزه مورد مشاهده بسیار وسعت می یابد و بر تنوع پدیده های طبیعت از نظر طراحی تأکید می شود. طراحی پدیده های مختلف از نظر شکل، رنگ، اندازه، جنس، بافت و... مورد بررسی قرار می گیرد. بنابراین، مربی متناسب با ویژگی های منطقه و نمونه های پدیده های طبیعی در دسترس، توجه شاگردان را به یکی از پدیده های موجود که تنوع زیادی دارد جلب می کند و آنها را به بررسی ویژگی های مختلف آن تشویق می کند. به این ترتیب، شاگردان در می یابند که طراحی جنبه های مختلف موضوع اهمیت زیادی دارد. مربی با اشاره به تنوع کانیها، گیاهان و حیوانات ذهن شاگردان را بر تنوع نمونه مورد نظر (در متن کتاب گل ها) در طبیعت متمرکز می سازد و با بیان سوال اول این درس آنها را به گفت و گو تشویق می کند. شاگردان تنوع شکل ها، رنگ ها، و هماهنگی طراحی یکی از پدیده های طبیعی را در طبیعت بررسی می کنند، مانند برگ درختان، قارچها، صدف ها، ماهی ها، پروانه ها، و برندگان. مربی پس از شنیدن نظرات دانش آموزان، از آنها می خواهد که طرح ساده ای از موضوع بکشند و طرح ها را به نمایش بگذارند. او با نشان دادن طرح هایی که شباهت بیشتری به نمونه واقعی دارند، شیوه طراحی نزدیک به طبیعت (واقع گرا) را معرفی می کند. سپس ضمن اشاره به طرح های ساده شده، ویژگی ساده کردن شکل ها در ذهن انسان (انتزاعی) را مطرح می کند. علاوه بر این، به استفاده هنرمندان از ویژگی پدیده های طبیعت برای ساخت اشیاء مختلف اشاره می کند و در مورد تصویرهای کتاب با آنها به گفت و گو می پردازد.

مربی در این تجربه ها به شاگردان می آموزد که طبیعت یکی از منابع الهام هنرمندان است و آنها می توانند با توجه به تنوع طرح هایی که در پدیده های مختلف طبیعی وجود دارد، طرح های جدید ارائه دهند. ایجاد ارتباط میان این پدیده ها و اشیاء و لوازمی که به صورت روزمره مورد استفاده قرار می گیرند، نیاز به خلاقیت دارد. مشاهده انواع نمونه ها و گفت و گو درباره اینکه هر یک از نمونه ها به کدام شی آشنا شباهت دارد یا برای ساختن کدام وسیله مناسب است، به آنها کمک می کند تا طرح های خلاقانه ای ارائه دهند. بنابراین، هدف این درس طراحی از گل ها یا پدیده های دیگر طبیعت نیست بلکه ایجاد انگیزه برای جست و جوی انواع طرح ها در طبیعت و یافتن نمونه هایی است که الهام بخش ایده های خلاقانه باشد. شاگردان می توانند ایده های ذهنی خود را به صورت طرح ها یا حجم های ساده اجرا کنند و ارائه دهند. مربی با تشویق شاگردان در مراحل مختلف کار نقش مهمی در رفت آنها و شکوفایی خلاقیتشان دارد.

درس سوم: الفبای تصویر

در پایان این درس از دانش آموزان انتظار می رود:

- با مفهوم الفبای تصویر آشنا شوند. ه الفبای تصویر را در محیط پیرامون خود بشناسند.
- به زیبایی های طبیعت به عنوان بخشی از خلقت خداوند توجه کنند و از آنها لذت ببرند.

شاگردان در درس دوم از طریق مشاهده و بررسی انواع گل ها با تنوع طراحی در طبیعت آشنا شدند. آنها در این تجربه به ساختار بیرونی نمونه ها توجه داشتند ولی در این درس، علاوه بر ساختار بیرونی، دنیای درون میوه ها را از نظر تنوع شکل، رنگ، بافت و نظم بررسی کرده و مشاهده عمیق تری را تجربه می کنند. استفاده از ابزار و وسایل مختلف در اجرای فعالیت ها آزاد است و مربی به کیفیت فعالیت ذهنی و قدرت خلاقیت شاگردان بیش از مباحث تکنیکی توجه می کند. بنابراین، استفاده از انواع مداد، مدادرنگی، پاستل گچی و روغنی (یا مداد شمعی)، آبرنگ و گواش، آکرلیک، پودر رنگهای معدنی (مانند لاجورد و شنگرف در ترکیب با چسب چوب یا روغن بزرگ)، رنگ پلاستیک، مازیک و جوهرهای رنگی یا هر ماده رنگی در دسترس دیگر (که استفاده از آن برای شاگردان ضرر نداشته باشد) بلامانع است.

میوه های طبیعی شکل، رنگ و بافت (کیفیت سطح رویه یا پوست) بسیار زیبا و متنوعی دارند و علاوه بر پوسته بیرونی، در بخش درونی آنها هم رنگ ها، طرح ها و بافت های زیبایی وجود دارد. بسیاری از میوه ها و سبزیجات به شکل کروی هستند یا برش عرضی آنها نظم زیبایی را در شکل دایره نمایان می کند. مربی توجه شاگردان را به نظمی که در پدیده های طبیعی وجود دارد جلب می کند و از آنها می خواهد که اجزای این پدیده ها را شناسایی کنند. نقطه ها، خط ها و رنگ هایی را که در بیرون و درون میوه ها دیده می شود، ببینند و به روش کنار هم قرار گرفتن آنها و نظمی که ایجاد کرده اند دقت کنند. به این ترتیب، مربی بچه ها را با الفبای طرح و تصویر یا نقطه، خط، شکل (سطح و حجم)، رنگ و بافت و قواعدی مانند تقارن و طرح مرکزی در طبیعت آشنا می کند.

درس چهارم: نظم

در پایان این درس از دانش آموزان انتظار می رود:

- به گوناگونی درختها و برگ های آنها در طبیعت توجه کنند.
- تفاوت ها و شباهت های برگ ها را بیان کنند.
- از برگ های مختلف طراحی کنند
- شباهت ها و تفاوت های برگ ها را در طراحی های خود نشان دهند.
- نظم را در برگ ها تشخیص دهند.
- توانایی ایجاد نظم را در آفرینش های هنری خود داشته باشند.
- به نظم و زیبایی پدیده های طبیعت که بخشی از خلقت خداوند است، توجه کنند و از آنها لذت ببرند.

شاگردان در درس اول طراحی به مشاهده اشیای پیرامون خود پرداختند و به طراحی، کاربرد و زیبایی آنها توجه کردند. در درس دوم با مشاهده تنوع پدیده های طبیعی آموختند که برای طراحی خلاقانه تنوع بی نظیری از طرح ها و رنگ های طبیعت را می توان به در درس سوم با مشاهده عمیق دنیای درون میوه ها با الفبای طرح و تصویر در پدیده های طبیعت و آثار هنری آشنا شدند.

در درس چهارم طراحی آنها می آموزند که تکرار منظم الفبای تصویر را در طبیعت و آثار هنری مشاهده و بررسی کنند. دانش آموزان از طریق جست و جو، مشاهده و گفت و گو درباره یافته هایشان، در می یابند که این ویژگی ها در تمام پدیده های طبیعی یا آفریده های خداوند موجود است. همچنین پی می برند که به موازات این نظم و زیبایی و تنوع طرح ها در طبیعت، آثار هنری و بسیاری از دست ساخته های بشر از نظم، طراحی خلاقه و زیبایی برخوردار است. بنابراین، نمونه های نظم و زیبایی پدیده های طبیعت، آثار هنری و برخی از دست ساخته های بشر را می توان بررسی کرد و از آنها برای طراحی خلاقانه الهام گرفت. مربی می تواند با یک ذره بین، نظم ساختار یک برگ یا پدیده طبیعی مناسب دیگری را که در دسترس است به شاگردان نشان دهد و آنها را به جست و جوی نمونه های متنوع و زیبای نظم در طبیعت تشویق کند.

فصل دوم: نقاشی

تاریخ هنر ایران سرشار از نقش ها، رنگ ها و آثار نقاشی ارزشمندی است که نزد جهانیان شناخته شده اند. آشنایی شاگردان با این ویژگی ها تأثیر زیادی در شناخت فرهنگ و هنر ایران و درک آثار هنری دارد.

نقاشی ایرانی دید خاصی از جهان را ارائه می کند و علاوه بر طرح های انتزاعی مملو از رنگ های ذهنی است. این آثار ویژگی های مختلفی دارند که می توان از آنها برای گسترش دید هنری شاگردان استفاده کرد. هدایت شاگردان به جست و جوی ویژگیهای مختلف و مشاهده دقیق آثار هنری ایران در این زمینه تأثیر بسزایی دارند.

بخش نقاشی کتاب هنر پایه هفتم به آشنایی شاگردان با برخی از ویژگیهای نقوش و آثار نقاشی ایران اختصاص یافته است. شناخت این ویژگی ها در تربیت دید هنری، ارتقای درک هنری، تقویت مهارت مشاهده و پرورش خلاقیت شاگردان بسیار موثر است.

شاگردان در بخش نقاشی با دو زمینه نقاشی ذهنی و عینی (واقع گرا) آشنا می شوند و می توانند به دلخواه هر یک از این روش ها را هنگام اجرای فعالیتهای هنری پیشنهادی به کار بگیرند. بنابراین مربی، هم آثار ذهنی و تخیلی شاگردان و هم نمونه های شبیه به طبیعت (واقع گرا) را می پذیرد و آنها را در روش اجرا آزاد می گذارد. نمونه هایی از انواع فعالیت های هنری آزاد، که شاگردان را می توان به اجرای آنها یا موارد مشابهشان تشویق کرد، در این بخش ارائه شده است.

درس اول: نقاشی با نقطه ها و لکه های رنگی

در پایان این درس از دانش آموزان انتظار می رود:

- از طریق کاربرد مناسب حواس، قدرت مشاهده خود را تقویت کنند.
- به تنوع نقطه در طبیعت توجه کنند.
- شباهت ها و تفاوت های نقطه ها را در پدیده های طبیعی بیان کنند.
- نقطه ها را در آثار و میراث فرهنگی هنری ایران تشخیص دهند.
- در آفرینش های هنری خود، نقطه ها را در اندازه ها و رنگ های مختلف به کار برند.

تقویت مهارت مشاهده دقیق و روحیه جست و جوگری در این درس با تأکید بر ویژگی های نقطه ارائه شده است. شاگردان ضمن آشنایی با ویژگی های نقطه در طبیعت، انواع نقطه ها را در آثار نقاشی ایرانی جست و جو می کنند. سپس، به جست و جوی انواع نقطه ها در آثار دیگر هنر ایران می پردازند تا از این طریق درک هنری آنها نسبت به طبیعت و آثار هنری تغییر کند.

علاوه بر ویژگی های هر نقطه، نحوه ترکیب نقاط و تمرکز و پراکندگی آنها ویژگی های متفاوتی را پدید می آورد که شاگردان باید با آنها آشنا شوند و از آنها در آثار خود بهره گیرند. مربی با استفاده از تصاویر کتاب و ضمن گفت و گو با شاگردان، توجه آنها را به کیفیت های متفاوتی که روش های مختلف ترکیب نقطه ها به وجود می آورد، جلب می کند.

درس دوم: نقاشی از گلهای

در این درس مربی توجه شاگردان را به یکی از پدیده های رنگی طبیعت، که در دسترس شاگردان قرار دارد، جلب میکند. مانند انواع گلها، صدفها، پروانه ها، ماهیها و پرندگان که تنوع بسیار زیادی از طرحها، رنگها و نقشها را نمایان میکنند و منبع بسیار مناسبی برای فعالیتهای هنری هستند. هماهنگی رنگها در طبیعت و آثار هنری مهمترین نکته آموزشی این درس است که مربی توجه شاگردان را به آن جلب میکند. شاگردان میتوانند از روش ایجاد هماهنگی میان رنگها در طبیعت یا همنشینی آنها کنارهم استفاده کنند و یا روشهای جدیدی را به اجرا درآورند و میان رنگها در نقاشی خود هماهنگی ایجاد کنند.

درس سوم: بافت در نقاشی

در این درس، دانش آموزان ضمن تعمیق یادگیری خود در زمینه بافت و کسب تجربیات جدید مانند استفاده از حس لامسه برای آشنایی با بافتهای مختلف، با روشهای ایجاد بافتهای متنوع در نقاشی آشنا میشوند.

انواع بافتها از ترکیب نقطه ها، خط ها، سطح ها، رنگها و... ایجاد میشوند. برخی از این بافتها صیقلی و هموار و بعضی از آنها دارای برجستگی و فرو رفتگی هستند و از لمس کردنشان درک جدیدی حاصل میشود. مربی میتواند امکان تجربه های مختلف را برای شاگردان فراهم کند و اطلاعات و تجربیات آنها را در مورد انواع بافت افزایش دهد. سپس آنها را تشویق کند که از بافتهای طبیعی الهام بگیرند و بافتهای متنوعی در کارهای خود به وجود آورند. همچنین با استفاده از بافتهای طبیعی آثاری را خلق و ارائه کنند.

درس چهارم: نقشهای منظم

دانش آموزان پس از تجربیات مختلفی که در زمینه آشنایی با الفبای تصویر کسب کرده اند، در این درس یکی از قواعد ترکیب را میآموزند. طرح مرکزی، که یکی از نمونه های نقشهای منظم است، در هنر ایران به خصوص در دوره اسلامی مورد توجه هنرمندان بوده و بارها و بارها مورد استفاده قرار گرفته است. مشابه این نظم در بسیاری از پدیده های طبیعی دیده میشود. مربی میتواند شاگردان را تشویق کند تا به این ارتباط توجه کنند و نمونه های آنها را در طبیعت و آثار هنری بیابند. بنابراین، جستجو برای کشف انواع نمونه ها در طبیعت و آثار هنری و معادل سازی آنها با هم، یکی از اهداف این درس است که در جهت تقویت و تعمیق مشاهده انجام میشود. هدف دیگر این درس، پرورش خلاقیت شاگردان در تجربه های آزاد هنری و ایجاد نقوش منظم به روش دلخواه است.

فصل سوم: عکاسی

انسان از سالیان بسیار دور همواره آرزوی ثبت تصاویر را در سر داشت تا اینکه پس از سالها تلاش و تجربه توانست با دوربین عکاسی تصویر آنچه را می‌دید، ثبت کند. در تمدن اسلامی، ابن هیثم برای رصد ستاره‌ها از وسیله‌ای استفاده کرد که بعدها اساس ساخت دوربین عکاسی شد. در شکل زیر نمونه ابتدایی این ابزار را می‌بینید. عکاسی به شکل امروزی در غرب اختراع شد. دوربین عکاسی شامل یک جعبه (اتاق) تاریک است که روزنه‌ای روی یکی از دیواره‌های آن قرار دارد و نور از این روزنه وارد جعبه می‌شود. در جعبه یک سطح حساس به نور (فیلم عکاسی) وجود دارد. وقتی این سطح زمانی کوتاه در معرض نور قرار بگیرد، تصویر موضوع روی آن ثبت می‌شود و پس از آن می‌توان مرحله ظهور فیلم و چاپ عکس را انجام داد.

درس اول: منظره یاب

در پایان این درس از دانش آموزان انتظار می‌رود:

- تفاوت بین مشاهده با کادر و بدون کادر را بیان کنند.
- مهارت مشاهده واقعیت‌ها را با استفاده از منظره یاب داشته باشند.
- مفهوم دید عکاسی را درک کنند.

وقتی انسان‌ها به محیط پیرامون خود می‌نگرند، اغلب فقط چیزهایی را می‌بینند که توجه آنها را به خود جلب می‌کنند. این عمل به وسیله حذف ذهنی مواردی که در کانون توجه قرار ندارند، صورت می‌پذیرد. به عبارت دیگر، ذهن انسان حذف شود گزینش می‌کند و آنچه را می‌خواهد می‌بیند دوربین عکاسی همه عوامل موجود در یک صحنه را ثبت می‌کند. به همین دلیل، در بسیاری از موارد عکاس پس از دیدن عکس متوجه می‌شود که نتوانسته آنچه را مدنظر داشته است، به خوبی نشان دهد. به عبارت دیگر، موضوع مورد نظر دارای ارزشی برابر با سایر عناصر عکس است و توجه خاص بیننده را جلب نمی‌کند.

تمرین نگاه کردن از داخل منظره یاب به شاگردان در درک تفاوت دید انسان و دوربین کمک می‌کند. گفتنی است که اندازه توصیه شده برای ساخت منظره یاب (۴۰ × ۳۰ میلی‌متر) با توجه به اندازه سطح حساس دوربین‌های تمام خودکار انتخاب شده است. مربی با انجام دادن تمرینات کتاب، ذهن شاگردان را با مباحث مذکور آشنا می‌کند. لازم است او دانش آموزان را در شیوه استفاده از منظره یاب به صورت عمودی، افقی یا مورب آزاد بگذارد. مربی می‌تواند از شاگردان بخواهد که جزئیات نواحی تیره (سایه) و روشن موضوع دقت کنند. این تمرین به درک بیشتر تفاوت‌های دوربین با چشم آنها کمک می‌کند، زیرا دوربین در تفکیک جزئیات قسمت‌های تیره و روشن موضوع دقت چشم را ندارد. به این ترتیب، حساسیت شاگردان نسبت به این تفاوت‌ها افزایش می‌یابد و هنگام عکاسی با مشکلات کمتری روبه‌رو می‌شوند.

مربی شاگردان را تشویق می‌کند که موضوعی را به دقت با منظره یاب ببینند و به روش‌های مختلف، جاسازی آن را داخل کادر تجربه کنند و کیفیت آنها را با یکدیگر مقایسه نمایند. سپس این روش را برای دیدن اشیای مختلف، محیط اطراف، مناظر طبیعی و... به کار برند. همچنین در دیدن عکس‌های مختلف به روش قرار گرفتن موضوع در کادر توجه کنند و برشی را که عکاس از واقعیت انتخاب کرده است تجسم نمایند. در مورد تصاویر مسجد گوهرشاد (به کتاب دانش آموز مراجعه کنید) و تفاوت روش‌های قرار دادن موضوع در کادر با شاگردان گفت و گو کنید و توجه آنها را به برشی که عکاس از فضای مقابل خود انتخاب کرده است، جلب نمایید.

فصل چهارم: خوشنویسی

معلمان گرامی خوب میدانند که امروزه خط خوب متاعی کمیاب است و حتی عزیزی که تحصیلات عالی دارند، در بسیاری موارد با مشکل بدخطی مواجه اند. علل این مسئله میتواند عوامل بسیاری باشد که مهمترین آنها نبود آموزش صحیح و مستمر در سالهای آغاز تحصیل است. در این میان، تعیین اولویت میان تعلیم خط درشت (خوشنویسی) و خط ریز (شکسته تحریری) نیز مورد اختلاف است.

درس اول: آشنایی با اصطلاحات و ابزارهای خوشنویسی

در پایان این درس از دانش آموزان انتظار می‌رود:

- برخی از اصطلاحات و ابزارهایی را که برای یادگیری بهتر خط ضروری است بشناسند
- به میراث فرهنگی هنری خود احترام بگذارند و از آنها نگهداری کنند.

همان طور که می دانید، در طول آموزش میبایست مدام از اصطلاحات خاص خوشنویسی مانند ترکیب، کرسی و نقطه استفاده کرد. از این رو، به نمونه هایی از این تعاریف که برای تفهیم بیشتر دانش آموزان مورد نیاز است اشاره می کنیم و درباره ابزار معرفی شده و ویژگی های آنها بیشتر توضیح خواهیم داد که امیدواریم مورد استفاده قرار گیرد. پیش از پرداختن به ابزارها و اصطلاحات، بهتر است به نحوه صحیح در دست گرفتن قلم بپردازیم که تأثیر زیادی بر خوش نوشتن دارد. قلم را باید با انگشت شست و سبابه گرفت و به انگشت میانی تکیه داد. توجه داشته باشید که نوک انگشتان باید پشت منتهی الیه میدان قلم قرار گیرد.

ابزار قلم: اصلی ترین ابزار خوشنویسی است. از انواع قلم می توان به قلم دزفولی، قلم شمالی، قلم خیزران و قلم پارویی اشاره کرد.

در اینجا خصوصیات یک قلم خوب دزفولی را بیان میکنیم. در قلم دزفولی رنگ پوسته در دامنهای از سرخ تا قهوه ای پررنگ و شفاف است و هرچه به قهوه ای نزدیکتر باشد بهتر است رنگ روشن و متمایل به سرخ مغز قلم (داخل آن) نیز دلیل مرغوبیت قلم است. قلم باید راست و بدون خمیدگی باشد و رگه های روی پوست آن پیچش نداشته باشند. شکل مقطع قلم بایستی گرد باشد. برای تشخیص گردی قلم آن را لایه لای انگشتان بچرخانید تا گردی قلم را حس کنید.

دوات: تعریف دوات در کتاب درسی آمده است اما از ویژگیهای دوات خوب فضای داخلی گرد و بدون زاویه است. چنانچه شکل فضای داخلی نیم کروی باشد بهتر است. لازم است دهانه دوات باز و فراخ و ارتفاع آن کم باشد. جنس دوات را میتوان برحسب اولویت از مواد زیر انتخاب کرد: 1- فلزات مانند برنج، نقره، مس 2- چینی، بلور، شیشه 3- پلاستیک

لیقه: بهترین انتخاب برای لیقه، ابریشم طبیعی تابیده شده است.

درس دوم: خوشنویسی کنید

آشنایی اجمالی با گونه های مختلف خوشنویسی به ما کمک میکند تا خط های مرسوم در دوره های تاریخی و کاربردهای آنها را بهتر بشناسیم و با توجه به خواستی که از خوشنویسی داریم، خط مورد علاقه خود را دنبال کنیم. مسلماً خط کوفی اولین نوع خط نیست اما به این دلیل از آن شروع میکنیم که قدیمی ترین خطی است که جنبه هنری یافته و از زیبایی است که جنبه و قابلیتی که به عنوان یک هنر تزیینی دارد، دیر زمانی است که استفاده میشود.

خط کوفی:

خطی است که یک دانگ دور و پنج دانگ سطح دارد. این خط در شهر کوفه رشد کرده است و از اینرو آن را کوفی مینامند. از خط کوفی علاوه بر کاربرد نگارشی در قرون اول تا سوم هجری - که کم و بیش تا قرن پنجم هم ادامه داشته - برای نوشتن کتیبه های بناهای تاریخی و مذهبی، قرآن کریم، تزیین ظروف سفالی و پارچه و... استفاده شده است.

سرمشقها

مبنای آموزش خوشنویسی تا پیش از دوره قاجار و مشخصاً میرزای کلهر، تعلیم مفردات بود اما میرزای کلهر با مبنا قرار دادن سطر و آموزش سطر نویسی، تحول بزرگی در آموزش خوشنویسی پدید آورد و آموزش این هنر را آسانتر کرد.

درس سوم: آشنایی با نقشهای هندسی

طراحی "گره":

- از دانش آموزان بخواهید روی کاغذ شطرنجی با اشکال مربع، مثلث، مستطیل، مربع و ترکیب آنها طرحها و شکل های متنوعی ایجاد کنند.

- از میان شکل های ایجاد شده یکی را به دلخواه انتخاب کنند .

- طرح مورد نظر را در زمینه مقوایی به صورت منظم تکرار کنند.

- برای استفاده از طرح مورد نظر و کاربردهای مختلف (کارت تبریک، کاغذ کادو، پارچه) آن را رنگ آمیزی کنند.

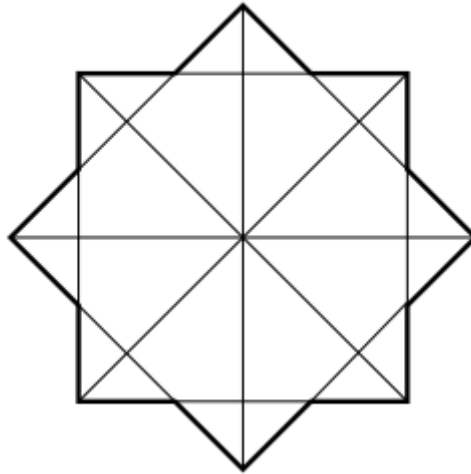
طراحی "شمسه و چهار لنگه":

- ابتدا از دانش آموزان بخواهید روی کاغذ شطرنجی مربعی به اندازه دلخواه ترسیم کنند.

- سپس مربع دیگری به همان اندازه به صورت لوزی روی مربع رسم کنند.

— آنگاه خطوط میانی طرح خود را به نحوی پاک کنند که یک ستاره هشت پر (شمسه) دیده شود.

— در ادامه، این نقش را به صورت منظم و به هم پیوسته تکرار کنند. از به هم پیوستن این نقشها و فضای خالی بین آنها، نقشهای دیگری ایجاد میشود. نقش ایجاد شده در اینجا چلیپا یا چهار لنگه نام دارد.



فصل ششم: گلیم بافی

دانشتنی های مورد نیاز گلیم بافی از کهن ترین شیوه های فرش بافی در سرزمین ایران است. سابقه این بافت در فلات ایران دست کم به ۸۰۰۰ سال پیش می رسد. از کهن ترین نمونه گلیم که در کاوش های باستان شناسی به دست آمده، گلیم پاره ای است با قدمت ۲۰۰۰ سال که آن را متعلق به دوره اشکانیان دانسته اند. گلیم پاره ای نیز در سرزمین مصر کشف شده که با توجه به قدمت قریب به ۱۵۰۰ ساله آن، به عصر ساسانیان منتسب است. پس از ظهور اسلام نیز گلیم بافی در ایران رواج داشته است و جهان گردان و جغرافی دانان در نوشته های خود در مقاطع تاریخی مختلف به این امر اشاره کرده اند اما از آنجا که گلیم پیوسته دست بافت خاص مردم روستاها و عشایر بوده، هیچ گاه جایگاهی مانند قالی در کارگاه های شهری نیافته است.

فقط از دوران صفویه که از شکوفاترین مقاطع هنری ایران است، چندین قطعه گلیم شاهکار به جا مانده که در بافت آنها از ابریشم و نخ گلابتون استفاده شده است. ویژگی عمده گلیم های صفوی این است که در نقش پردازی آنها علاوه بر نقوش هندسی از نقوش گردان و برخی نقش مایه های اسطوره ای و نقش هایی برگرفته از داستان های کهن ایرانی استفاده شده است. امروزه گلیم بافی در اکثر مناطق عشایری روستایی ایران رایج است و در هر منطقه طرح و رنگ بندی خاص خود را دارد.

ابزار و وسایل گلیم بافی: دار - دفتین - قیچی

مواد اولیه: نخ پشمی - نخ پنبه ای - نخ ابریشمی

فصل دهم: سفالگری

مطالعات باستان شناسی نشان می دهد که در ایران همواره سفال و سفالگری اهمیت ویژه ای داشته است. قدیمی ترین آثار سفالی ایران به دوره نوسنگی در هزاره هشتم قبل از میلاد تعلق دارد. نمونه هایی که از منطقه "تپه پنج دره" واقع در غرب کرمانشاه و "غار کمر بند" در نزدیکی بهشهر در استان مازندران به دست آمده، از این گروه اند. سفالینه های این دوره به خوبی پخته نشده و به علت دود خوردگی به رنگ سیاه در آمده اند. سفالینه های منقوش که روی آنها خط های افقی و عمودی و متقاطع رسم شده است نیز از این دوران به دست آمده اند. مهم ترین تحول در هنر سفالگری، اختراع چرخ سفالگری است که به گفته اغلب باستان شناسان ایرانیان در هزاره چهارم پیش از میلاد به این موفقیت مهم دست یافتند. از این تاریخ به بعد نقوش سفالینه ها نسبت به قبل واقع گرایانه است و تصویر های ساده ای از مار، پلنگ، قوچ و... روی آنها دیده می شود که از این میان می توان به جام منقوش شوش اشاره کرد.

در دوره صفویه سفال و سرامیک پیشرفت زیادی کرد و ظروف آبی و سفید، مینایی، سالدون، زرین فام، مطلا کاری، کوباچه و گمبرون تولید می شد. کاشی هفت رنگ نیز در همین دوره ابداع شده است. در دوره قاجار علاوه بر کاشی های لعاب دار ساخت ظروف سرامیکی هم مانند قبل رواج داشت. امروزه در برخی از نقاط ایران سرامیک و سفال تولید میشود که مهم ترین آنها عبارت انداز: لاله جین همدان، میبد یزد، شهرضای اصفهان، مندگناباد، کلپورگان سراوان بلوچستان، نوزآذربایجان، نطنز، قم و سیاهکل گیلان. سفالینه های هر یک از این مناطق از لحاظ طرح و رنگ ویژگی های خاصی دارند و از هم قابل تشخیص اند.

ساختن حجم های سفالی با روش فتیله ای:

یکی از روشهای قدیمی ساختن ظرف، روش فتیله ای است که پس از اختراع چرخ سفالگری نیز همچنان رونق دارد؛ چون ظرفهای بزرگ را نمیتوان با چرخ سفالگری ساخت و برای ساختن آنها از روش فتیله ای یا روش قالب گیری استفاده میکنند. در روش فتیله ای برای ساختن ظرف، ابتدا کف ظرف را به شکل مورد نظر و به صورت تخت (یک تکه یا با روش فتیله ای) آماده میکنند. سپس گل را به شکل فتیله ای باریک در می آورند به صورت حلقه ای دور تا دور کف ظرف میبچند و لایه ای بعدی را اضافه میکنند؛ تا جایی که دیواره ظرف کامل شود. برای اتصال حلقه های فتیله، با استفاده از ابزار نوک تیز، بر روی محل اتصال خراش ایجاد میکنند. سپس به کمک گل شل (دو غاب یا چسب گل) دو لایه فتیله را به هم متصل می کنند.

فصل هشتم هنرهای آوایی

درس اول: وزن

الگو: آیا می دانید الگودر لباس به چه معنی است و کاربرد آن چیست؟ معنی الگوی رفتار چیست؟ ابتدا یک مثلث روی تخته بکشید و از دانش آموزان بخواهید این مثلث را به عنوان الگو انتخاب و آن را تکرار کنند.

نتیجه گیری: الگوبه نمونه ای گفته می شود که قرار است عینا تکرار شود.

هدایت به درس آیا می توان در صدا هم الگو سازی کرد؟ بیایید یک صدا تولید کنیم و ببینیم چگونه می توان آن را الگوسازی کرد.

با هجاهای «مفتعلن» روی میز بزنید و برای دانش آموزان توضیح دهید که این یک الگوی صوتی است. حال یکی از دانش آموزان این الگو را تکرار کند. این الگو می تواند به شکل های مختلفی مانند مفاعیلن، فاعلاتن ... نیز بیاید.

نتیجه گیری: به این الگو "الگوی ریتمیک" گفته میشود.

سرعت (تمپو): برای ایجاد جذابیت بیشتر کلاس از دانش آموزان سؤال کنید چه کسی می تواند این شعر را سریعتر بخواند و همراهش دست بزند. همین کار را با سرعت کم نیز انجام دهید.

نتیجه گیری: سرعت ضرب میتواند زیاد یا کم باشد.

فصل نهم: هنرهای نمایشی

آنچه در اجرای یک نمایش در معرض دید تماشاگران قرار می گیرد، تلاش هایی است که پیش از اجرا به انجام رسیده است. علاوه بر این، برای تمرین و اجرای یک نمایش موفق و تأثیرگذار، نیاز به متن یا نمایشنامه ای است که دارای ارزش های فنی و زیبایی شناسانه باشد. در واقع، مبنای اجرای یک نمایش مؤثر، نمایشنامه ای با قاعده و ارزشمند است. نمایشنامه نیز برخوردار از عناصر دیگری همچون گفت و گوهای نمایشی، شخصیت های تأثیرگذار و ساختمانی شکل است.

در این بخش تلاش شده است تا مفاهیم فوق مطرح و دربارہ آنها توضیح روشن و کافی به همراه تمرین های کاربردی ارائه شود تا دانش آموزان این دوره راه و روش نگارش آثاری مناسب اجرا در صحنه نمایش را بیاموزند و بتوانند از فرهنگ غنی ادبیات اسلامی — ایرانی برای آفرینش نمایشنامه های ارزشمند بهره مند شوند.

درس اول: گفت و گو

الف) زبان ایما و اشاره

پیش از اینکه کلمات و جملات نقش انتقال مفاهیم را بین انسان‌ها بر عهده داشته باشند، آدمی با زبان ایما و اشاره و گاه نشانه‌هایی مانند دود حاصل از آتش، با هموعان خود ارتباط برقرار می‌کرد.

ب) گفتوگوهای عادی، گفتوگوی نمایشی

زبان ایما و اشاره امروزه نیزگاه نقشی مهم در روابط افراد دارد اما پس از خلق زبان و گفت و گو بین ملت‌ها براساس کلمات ساخته شده از حروف، ادبیات و فرهنگ نیز به سرعت پیشرفت کرد و در نمایش نیز گفت و گوی نمایشی (دیالوگ) نقشی بنیانی یافت. گفت و گوی نمایشی برگرفته از گفت و گوهای عادی است اما مهم‌ترین تفاوت آن با گفت و گوهای عادی، تلاش نویسنده برای آفرینش کلمات و عباراتی زیباست.

درس دوم: گفتوگوی نمایشی

الف) طراحی گفتوگوی نمایشی

در گفت و گوی نمایشی یا دیالوگ، نمایشنامه‌نویس می‌بایست از قبل، موقعیت‌های گوناگونی را پیش‌بینی و طراحی کرده و تالش‌کنندتا مفهوم موردنظر خود را در فرایندگفت و گوی نمایشی به ثمر برساند.

گفت و گوی نمایشی ویژگی‌هایی دارد که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

— انتقال اطلاعات — مشخص کردن زمان و مکان — تعریف اشخاص و ماجراها — پیشبرد روایت — انتقال مفهوم و معنا

ب) موقعیتهای نمایشی

موقعیت نمایشی به زبان ساده یعنی اینکه گفت و گوهای نمایشی باهدف معینی نوشته شوند و آغاز و انجام مشخصی داشته باشند.

برای دستیابی به این هدف، معمولاً یکی از اشخاص باید تصمیم به انجام دادن کاری داشته باشد و دیگری یا دیگران در برابر او ایستادگی کنند. چنین وضعیتی منجر به ایجاد کشمکش می‌شود و این کشمکش به نقطه اوج می‌رسد.

درس سوم و چهارم: شخصیت و موقعیت در نمایش

الف) مفهوم شخصیت

در زندگی روزمره شخصیت معنای ویژه‌ای دارد. اگر کسی را «با شخصیت» بنامیم، منظورمان این است که فرد موردنظر ویژگی و یا شاخصه‌هایی دارد که او را از دیگران متمایز می‌کند. در روان‌شناسی نیز مقوله شخصیت به مثابه دانش و تخصص برای شناخت انواع اشخاص به کار می‌رود. در آثار نمایشی نیز هر یک از افرادی را که وارد صحنه می‌شوند، شخصیت یا کاراکتر می‌نامند.

ب) انواع شخصیتها

در دنیای نمایشنامه‌نویسی، اشخاص به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند:

— شخصیت‌های ساده

— شخصیت‌های پیچیده

اشخاص ساده معمولاً اشخاصی هستند که اعمالشان قابل پیش‌بینی است و رفتاری که از خود بروز می‌دهند، آشکارا ابعاد مختلف آنها را روشن می‌سازد.

اشخاص پیچیده معمولاً اشخاصی هستند که اعمال و رفتارشان به سختی قابل حدس زدن است و ابعاد وجودی آنها به سادگی و سرعت آشکار نمی‌شود.

ایران عرضه

مرجع نمونه سوالات

آزمون های استخدامی

به همراه پاسخنامه تشریحی

خدمات ایران عرضه:

- ارائه اصل سوالات آزمون های استخدامی
- پاسخنامه های تشریحی سوالات
- جزوات و درسنامه های آموزشی

برای دانلود رایگان جدیدترین سوالات استخدامی دبیری فرهنگ و هنر، اینجا بزنید

برای دانلود رایگان مرجع این جزوه، کتاب راهنمای تدریس فرهنگ و هنر پایه هفتم متوسطه اینجا بزنید

«انتشار یا استفاده غیر تجاری از این فایل، بدون حذف لوگوی ایران عرضه مجاز می باشد»

